

# مسائل فقهی حج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با درود و سلام خدمت حضرت امام مدظله العالی علی رؤس الانام وطلب مغفرت وعلو درجات برای شهدای اسلام و تحنیت بحضور برادران رزمنده و عزیزان خواننده مقاله احکام.

خوشوقتم که توفیق شرکت در ویژه برنامه حج بنوشتن جملاتی مشتمل بر بعض مسائل آن پیدا کردم. و قبل از بیان آنها نظر دوستان را عطف بمطلب قابل توجهی میکنم و آن این است که احکام و مسائل حج بقدری زیاد است که اگر بگوئیم قابل احصا نیست جزاف نگفته ایم. بخصوص که علاوه بر فروع مخصوصه بمناسک عمره یا حج، مربوط به بسیاری از ابواب دیگر قفه نیز هست مثل ابواب طهارت که در طواف و نماز طواف و غیر آنها مورد ابتلا است و یا ابواب صلات که در نماز طواف مورد حاجت است و ابواب زکات و خمس که در طواف و قربانی مورد نیاز است و ابواب صوم که در بدل قربانی پیش میآید.

و همچنین ابواب معاملات بخصوص اجاره که در حج نیایی لازم میشود و بیع و ذباحتی که در قربانی محل احتیاج است و غیر اینها که در مواقع مختلف مورد ضرورت است.

و مخصوصاً که با گذشت زمان و پیش آمد وضع جدید مسائل و فروع آن چند برابر افزونی می یابد چنانچه در حدیثی منقول از معصوم است که خانه ای که در طول سالها و قرنها باید باقی باشد زیارت شود، مسائل آن محدود نیست بلکه خود مناسک مربوطه به عمره و حج دارای فروع زیادی است که احاطه بر آن در قدرت انسانهای عادی نیست و در عداد کمالات و علوم امامی چون جواد الائمه علیه السلام ذکر شده است که در جواب یحیی بن اکثم راجع بقتل صید در حال احرام، در مجلسی که مأمون برای امتحان آنحضرت ترتیب داده بود، بیان فرمود و شقوق بسیاری در آن آورده بطوری که یحیی بن اکثم متحیر شده و در صورت او آثار عجز ظاهر گشته و زبانش لکنت پیدا کرده و تمام اهل مجلس فهمیده اند.

و سؤال و شقوقی که حضرت در جواب آن مطرح نمود بطوریکه در کتاب احتجاج طبرسی جلد دوم صفحه ۲۴۲ نقل شده به این کیفیت است:

فقال یحیی: ما تقول جعلت فداک فی محرم قتل صیداً؟

فقال ابو جعفر «ع»: قتله فی حلّ او حرم، عالماً کان المحرم ام جاهلاً، قتله عمداً او خطأً حزراً کان المحرم او عبداً، صغیراً کان او کبیراً، مبتدئاً بالقتل او معبداً، من ذوات الطیر کان الصید ام من غیرها، من صغار الصید ام من کبارها،

مصرراً علی ما فعل او نادماً، فی اللیل کان قتلته للصید ام بالنهار، محرماً کان بالعمرة اذ قتلته او بالبحج کان محرماً.

و بعد حکم هر کدام از شقوق ذکر شده را خود حضرت بیان مفرماید که بتفصیل در صفحه ۲۴۳ کتاب ذکر شده، نقل نموده است و ما برای مراعات اختصار نقل نمیکنیم چنانچه خواننده محترم بخواهد میتواند بکتاب مزبور مراجعه نماید. و منظور ما از نقل همین مقدار اشاره به این است که احاطه بجمیع مسائل و احکام این عمل اسلامی در امکان بشر عادی نیست. و اینکه احیاناً گفته میشود چرا مسائلی که پیش میآید در رساله ها یا مناسک ذکر نشده است و باید مناسکی نوشت که مشتمل بر تمام مسائل باشد توقع صحیحی نیست.

در هر صورت در این سالها که توفیق رفیق شد و در بعثت حضرت امام مدظله العالی در حج افتخار خدمت را داشتم تعدادی از سؤال و جوابها یادداشت شد که بعضی آنها در ملحقات مناسک حج و نشریه پاسدار اسلام در شماره سالهای قبل چاپ شده است.

و مسائلی در جلسه استفتاء جمع آوری و بصورت مسأله در مناسک درج و با احتیاقات دیگری که قبلاً چاپ و در اختیار مؤمنین قرار گرفته است.

و عجزاً تا بعضی مسائلی که در سال گذشته یادداشت شده بنظر خوانندگان میرسانیم:

**سؤال ۱-** شخصی پدرش وصیت کرده که فرزندش از جانب او حج بجا بیاورد. بعد از مرگ پدر فرزند مستطیع میشود، آیا لازم است حج خود را بر حج پدر مقدم بدارد و اگر حج خود را مقدم بدارد آیا صحیح است یا نه؟

**جواب -** اگر قبل از آنکه پسر مستطیع شود پدر او را اجبر کرده که بعد از فوت او در سال اول حج برای پدر انجام دهد یا نسبت بمدت مطلق بوده که منصرف بسال اول است و پسر قبل از استطاعت خود اجاره را قبول کرده، لازم است سال اول بعد از فوت پدر حج نیایی برای پدر انجام دهد و در غیر اینصورت باید برای خودش حج کند و در صورت اول اگر برای خودش حج بجا آورد صحیح است گرچه در مخالفت اجاره معصیت کرده است ولی در صورت دوم اگر حج نیایی بجا آورد صحیح نیست و نه برای خودش واقع میشود و نه برای پدرش و حج بر خودش مستقر میشود که باید بهر نحو شده در سال بعد اتیان کند و اگر بجا نیاورد در سال





## عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات فلسفه حج ایجاد تفاهم و تحکیم برادری میان مسلمین است.

امام خمینی

باشد رفع اشکال میشود یا خیر؟

**جواب -** در فرض مزبور استنباه در مورد پدر صدق نمیکند و خجّه

الاسلام از طرف پدر واقع نمیشود و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

**س ۶ -** شخصی بمدینه مشرف شده و حال جنون پیدا کرده و از

سابق حج بر او مستقر شده آیا میشود برای او نائب گرفت یا خیر و اگر

نشد تبرّع حج از او چه صورت دارد؟

**جواب -** نیابت و تبرّع در فرض سؤال صحیح نیست.

**س ۷ -** استنباه افرادی که بخاطر عذر و قوف بین الطلوعین را در

مشعر ترک میکنند مانند خدمه کاروانها که همراه زنهای شبانه به منی

میروند جایز و مبرور ذمه منوب عنه میباشد یا نه؟

**جواب -** اگر قبل از استنباه معذور بوده اند استنباه صحیح نیست

و چنانچه استنباه قبلاً واقع شده باید وقوف اختیاری را درک کنند و دیگری

را همراه زنهای بفرستند یا برای درک وقوف بین الطلوعین به مشعر برگردند.

بلی اگر طوری معذور شوند که نه کسی را بتوانند همراه آنها بفرستند و نه

بتوانند برگردند و اختیاری را درک کنند و عذر بعد از اجاره عارض شده

باشد حج نیابتی صحیح است.

**س ۸ -** استنباه زنهای که وقوف بین الطلوعین را در مشعر الحرام

درک نمیکند و شبانه به منی میروند چگونه است؟

**جواب -** مانع ندارد هر چند منوب عنه مرد باشد.

**س ۹ -** زن نذر میکند که قبل از میقات محرم شود یا نذر کرده

و محرم شده در حالی که از شوهر در این نذر اذن نداشته است. آیا نذر

او بی اشکال است یا اشکال دارد؟

**جواب -** نذر زن بدون اذن شوهر باطل است. بنابراین اگر زن خوف

دارد که وقت احرام از مسجد شجره حائض باشد میتواند ولو در ایران از

شوهرش اذن بگیرد که نذر کند و از مدینه محرم شود و در اینصورت احرام

او از مدینه صحیح است بشرط اینکه نذر او با صیغه شرعی معتبر باشد.

**س ۱۰ -** مسجد تنعیم در حال حاضر داخل مکه است و بنظر

عرف محل حتی مقداری قبل از تنعیم را هم مکه میگویند برای

کسی که محرم شود در مسجد مذکور برای عمره و بجنانب

مسجد الحرام برود استظلال جایز است یا جایز نیست؟

**جواب -** مکه منزل است و استظلال در آن مانع ندارد. ادامه دارد

بعد با مراعات فوراً فوراً انجام دهد و باید معلوم باشد که مجرد وصیت

بحج بدون استبحار فرزند نیابت را بر او واجب نمیکند هر چند وصیت را

قبول کرده باشد. بنابراین در فرض استطاعت فرزند بعد از فوت پدر باید

برای خودش حج بجا آورد و نیابت صحیح نیست.

**س ۲ -** شخصی طبق وصیت پدر که پول بحساب سازمان حج

واریز کرده به نیابت او بمکه آمده در حالی که خود فرزند نیز

استطاعت مالی داشته است. آیا به نیابت پدر حج بجا آورد یا حج

خود را انجام دهد؟

**جواب -** اگر راه برای پسر باز نبوده و از جهت نوبت پدر و نیابت از او

راه برای او باز شده باید برای پدرش حج کند مگر آنکه تبرّعا بدون اجاره

به نیابت پدر آمده باشد که در اینصورت مستطیع شده و باید برای خودش

حج بجا آورد و گذشت که مجرد وصیت و قبول فرزند نیابت واجب نمیشود

مگر آنکه قبل از استطاعت اجبر شود.

**س ۳ -** شخصی به نیت نیابت برای عمره تمتع محرم شده است،

بعدها معلوم شد شرائط استطاعت در خودش موجود بوده است. آیا

نیابت او صحیح است و وظیفه او چیست؟

**جواب -** نیابت او صحیح نیست و باید برای خودش محرم شود و عمره

و حج خودش را انجام دهد.

**س ۴ -** شخصی اجبر حج بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک

است بعد از اجبر شدن در نظر داشته برود قم و از آنجا حرکت کند

پس از چند روز در حالی که غفلت از موضوع داشته برای انجام کار

دیگری بقم رفته و بعد هم از آنجا با غفلت پنهان رفته آیا همان نیت

قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد بقم و بر فرض

خروج از ایران چه حکمی دارد؟

**جواب -** اگر میتواند باید برگردد و چنانچه بزیارت ولود در صورت

تمکن و حج را انجام داد حج صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

**س ۵ -** شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد پدر نمیتواند

خودش حج بجا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجبر

برای حج پدر نموده و خودش هم برای حج خود مشرف شده، آیا حج

اجبر برای پدر مجزی است یا خیر؟ و هرگاه در مدینه تصمیم بگیرد که

آنچه را از مال پدر به اجیر داده با پدر حساب نکند و از مال خودش